

کارگر سو سیالیست

سال پانزدهم، دوره دوم نشریه اتحادیه سوسیالیستهای انقلابی ایران فروردین-اردیبهشت ۱۳۸۵

نامه سرگشاده کمیته اقدام کارگری
پیش بسوی برگزاری مراسم مشترک اول ماه
مه ۱۳۸۵



گرامی باد اول ماه مه ۱۳۸۵
پیش بسوی اتحاد عمل کارگری بر محور
برنامه اقدام کارگری

مازیار رازی

حدود ۱۲۰ سال پیش، یعنی سال ۱۸۸۶، تظاهراتی از طرف کارگران آمریکایی در شهر شیکاگو صورت پذیرفت. این تظاهرات به دست پلیس آمریکا به خاک و خون کشیده شد و ۴ تن از کارگران در این تظاهرات کشته شدند. متعاقباً روز ۴ ماه می یعنی ۳ روز بعد از این واقع تظاهرات وسیع تری توسط کارگران در اعتراض به خشونت پلیس آمریکا در شیکاگو ترتیب داده شد؛ واز سوی مزدوران سرمایه داری بمبی در میان این تظاهر کنندگان پرتاب شد که منجر به کشته شدن عده زیادی از کارگران شد و در ضمن یک پلیس هم در این میان به قتل رسید. پس از آن دولت سرمایه داری آمریکا بسیج گسترده ای علیه کل طبقه کارگر آمریکا انجام داد و موج درستیهای کارگران و محاکمه رهبران جنبشهای حق طلبانه کارگران در سراسر آمریکا صورت گرفت. تعداد زیادی از رهبران جنبش کارگری را دستگیر، محاکمه و سپس به اعدام محکوم کردند. در پای چوبه دار یکی از این رهبران کارگران فریاد کشید که «صدای کارگران را نمی توان خفه کرد!» این شعار پس از ۱۲۰ سال همچنان هر سال در روز اول ماه در جهان طنین می افکند. سه سال پس از این واقعه، در کنفرانس نخست بین الملل دوم که یکی از همراهان کارل مارکس، انگلس در آن شرکت داشت، بزرگداشت تظاهرات اول ماه می را به عنوان گرامیداشت کشتار کارگران در شیکاگو، به عنوان روز جهانی کارگر اعلام کردند، و از آن پس این روز «روز کارگر» نام گرفت و در سراسر جهان توسط کارگران جشن گرفته شد.

خطاب به:

- کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
- کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری
- اتحاد کمیته های کارگری
- مسئولان نشریات: شورا؛ کارگر پیشرو؛ لغو کارمزدی
- سندیکای فلزکار مکانیک
- انجمن فرهنگی کارگری
- کارگران فعال ایران خودرو
- سندیکای اتوبوسرانی شرکت واحد تهران و حومه
- دانشجویان هوادار جنبش کارگری
- تمام فعالان کارگری در سراسر ایران

کارگران پیشرو و مبارز!

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۵) فرامی رسد!

در سال پیش با توجه به تهاجمات لجام گسیخته نیروهای ضربت سرمایه داری بر بدنه جنبش کارگری، دستاوردهایی مهمی داشته ایم. اعتصابات و اعتراضات کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد و اعتراضات بین المللی و یک پارچه در حمایت از کارگران شرکت واحد و سایر کارگران نشانگر روند تغییر تناسب قوا به نفع کارگران است. به سخن دیگر دولت سرمایه داری و صاحبان سرمایه، در راستای همسویی با نظام سرمایه داری بین المللی و نجات خود از بحران عمیق اقتصادی؛ و استقامت و پیگیری کارگران در دفاع از خواست هایشان، مجبور به عقب نشینی در مقابل اقدامات کارگران و همقطاران بین المللی کارگران در سطح جهان شده است. منصور اسانلو و برخی دیگر از کارگران هنوز در زندان بسر می برند؛ اما روحیه کارگران زندانی و هم قطاران و خانواده های آنها بسیار بالا است؛ و مقاومت و مبارزه تا تحقق مطالبات شان در راستای ایجاد سندیکای مستقل و آزادی زندانیان سیاسی و لغو اجحافات ادامه دارد!

ادامه در صفحه ۲

اطلاعیه های جمعی از کارگران شرکت ایران خودرو

ص ۸ و ۱۰

زنان کارگر و رویدادهای اخیر سارا قاضی ص ۱۰

جنبش کارگری ایران

مازیار رازی
ص ۱۲

اتحادیه سوسیالیستهای انقلابی ایران

[http:// www.pishtaaz.com/kargar](http://www.pishtaaz.com/kargar)
mobaarezeh@fastmail.fm

پیش بسوی اتحاد عمل کارگری

بقیه از صفحه ۱

در ایران هم چنین بود. روز اول ماه می، ۱۱ اردیبهشت، در حدود ۸۶ سال است که در ایران به عنوان روز کارگر، توسط کارگران زحمتکش ایران جشن گرفته شده است. برای اولین بار در سال ۱۲۹۹ شمسی روز اول ماه می جشن گرفته شد. و در دوره هایی که شرایط مناسب تری از نظر سیاسی وجود داشته، توده های بیشتری در این روز به خیابانها آمده اند. در سال ۱۳۲۵ که شرایط مساعد تری در ایران وجود داشت، چیزی در حدود ۲۵۰ هزار نفر کارگر در تظاهرات اول ماه می شرکت کردند. البته بعد از ۲۸ مرداد کودتای سیا در ایران در سال ۱۳۳۲، رژیم شاه سعی به سرکوب کردن و ارباب طبقه کارگر گرفت و جشنهای نمایشی توسط سندیکاها و اتحادیه های زرد سازمان داد. اینها هیچ ارتباطی به طبقه کارگر نداشت و کارگران خود تحت پوشش عروسی ویا مراسم دیگر، دور هم جمع شدند و در سراسر ایران جشن ماه می را گرفتند.

این جشن های کارگری پس از قیام بهمن ۱۳۵۷ تا کنون ادامه یافته است.

در اول ماه ۱۳۸۱ نیز جشنهای مختلف وتظاهرات مختلفی در سراسر ایران هم از طرف محافل و تجمعات مستقل کارگری که به صورت مستقل از دولت و هم از طریق خانه کارگر سازمان داده شد. تظاهراتی در میدان قزوین از طرف خانه کارگر سازمان دهی شد که چیزی در حدود ۵ تا ۱۰ هزار نفر در آن شرکت کرده بودند. همچنین تجمعی در فرهنگسرای اسپاران (هنر) و کوهنوردیهای کارگران استان تهران و همچنین در تالار یاقوت خیابان کارگر جنوبی هم مراسم اول ماه می صورت گرفت.

اول ماه مه ۱۳۸۲ حتی راهپیمایی «خانه کارگر» هم با ممانعت روبرو شد. اما تجمعات کوچک کارگری در سراسر ایران روز کارگر را جشن گرفتند.

در سال ۱۳۸۳ در سقز راهپیمایی اول ماه مه مورد تهاجم نیروهای ضربت دولت سرمایه داری قرار گرفت و عده ای از فعالان کارگری دستگیر شده و پس از چند ماه احکام سنگینی علیه ۵ تن از آنها آنها صادر شد. البته این احکام به علت مقاومت خود کارگران درگیر و فشارهای بین المللی هنوز اجرا نگشته است.

در سال پیش با توجه به تهاجمات لجام گسیخته نیروهای ضربت سرمایه داری بر بدنه جنبش کارگری، دستاوردهایی مهمی داشته ایم. اعتصابات و اعتراضات کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد و اعتراضات بین المللی و یک پارچه در حمایت از کارگران شرکت واحد و سایر کارگران نشانگر روند تغییر تناسب قوا به نفع کارگران بود.

به سخن دیگر دولت سرمایه داری و صاحبان سرمایه، در راستای همسویی با نظام سرمایه داری بین المللی و نجات خود از بحران عمیق اقتصادی؛ و استقامت و پیگیری کارگران در دفاع از خواست هایشان، مجبور به عقب نشینی در مقابل اقدامات کارگران و همقطاران بین المللی کارگران در سطح جهان شده است. منصور اساتلو و برخی دیگر از کارگران هنوز در زندان بسر می برند؛ اما روحیه کارگران زندانی و هم قطاران و خانواده های آنها بسیار بالا است؛ و مقاومت و مبارزه تا تحقق مطالبات شان در راستای ایجاد سندیکای مستقل و آزادی زندانیان سیاسی و لغو اجحافات ادامه دارد!

مهمترین ضعف جنبش کارگری عدم هماهنگی و پراکندگی بوده است. کارگران پیشرو مبارز برای دفاع از دستاوردهای تا کنونی و تقویت موقعیت شان، می باید خود را متحدانه متشکل کنند. امروز پیش از

هرزمان کارگران پیشتاز و جوان باید سکان سیاسی فعالیت های ضد سرمایه داری را خود بدست بگیرند.

اما وقایع سال پیش نشان داده است که افتراق و پراکندگی ناشی از فرقه گرایی و انحصارگرایی در درون بخش هایی از سخنگویان کارگران کماکان به قوت خود باقی است. لازم به ذکر است که فرقه گرایی و حذف گرایی مخالفان سیاسی و انحصارگرایی همه ریشه در ایدئولوژی هیت حاکم و نظام سرمایه داری داشته که در درون جنبش کارگری رخنه کرده است. طبقه کارگر در مجموع به علت موقعیت اجتماعی اش، همواره خواهان وحدت و رعایت حقوق دموکراتیک سایرین است. گرایش های کارگری که امروز به جای تبلیغ اتحاد عمل کارگری بر محور مطالبات کارگری؛ تخم نفاق و افتراق می کارند؛ ناخواسته آب به آسیاب دشمن طبقاتی می ریزند.

در تظاهرات اول ماه مه ۱۳۸۴ شعارها وحدت طلبانه ای مانند:

اتحاد، اتحاد علیه سرمایه دار؛ اتحاد تشکل، تشکل اتحاد؛

اتحاد رمز ماست، تشکل عزم ماست؛ کارگر، کارگر، وحدت، وحدت؛

اتحاد، تشکل، قدرت اصلی ما؛ همسنگران، چاره ما وحدت است.

کارگران چاره ما وحدت است..... در میان سایر شعارها در خیابان ها و سالن های سراسر ایران طنین افکند.

کارگران ایران در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۴ نشان دادند که خواهان وحدت عمل علیه سرمایه داری هستند. آنها با شعارهای خود با صراحت اعلام کردند که بهیچوجه خواهان افتراق و چند دستگی و پراکندگی نمی باشند!

از اینرو نقش تمامی نهادهای کارگری ضد سرمایه داری در پاسخ گویی به مطالبات وحدت طلبانه کارگران سال پیش؛ یک اتحاد عمل کارگری برای اول ماه مه سال جاری است. اتحاد عمل کارگری متکی بر مطالبات مشخص و عملی ضد سرمایه داری. اتحادی از تمامی گرایش های کارگری برای مقابله با دولت سرمایه داری. این اتحاد می تواند زمینه مساعدی برای ایجاد یک تشکل مستقل کارگری را بوجود آورد.

معیار اتحاد کارگران نه باید متکی بر عقاید و نظریات کارگران باشد و نه تعلقات سیاسی و تشکیلاتی آنها. ملاک اتحاد باید اشتراک عمل بر محور مطالبات مشترک کارگری باشد. توافق بر محور عمل مشخص همراه با تحمل و احترام متقابل به نظرگاه ها و تعلقات تشکیلاتی سایرین تنها روش دموکراتیک و درستی است که می توان اتحاد عمل کارگری را شکل داد. مطالبات محوری کنونی می تواند «آزادی زندانیان سیاسی»، «حق تشکل مستقل کارگری» و به ویژه «حق اعتصاب» باشد.

این اتحاد با رعایت اصل دموکراسی کارگری و حق گرایش برای تمام نظریات موجود شکل می گیرد. به سخن دیگر هیچ فرد و گرایشی به علت داشتن اعتقاد؛ نظر و برنامه و تشکیلات حذف نمی گردد (مگر کسانی که مرتبط به دولت سرمایه داری هستند). تصمیمات پیشبرد فعالیت های نظری و عملی به شکل جمعی و انتخاب یک شورای هماهنگی صورت می پذیرد.

اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۵، می تواند آغازگر تشکیل این اتحاد عمل کارگری درازمدت باشد.

«برنامه اقدام کارگری» زیر پیشنهاد ما برای یک اتحاد عمل درازمدت کارگری است.

گسترش و هم آهنگ کردن فعالیت های این محافل و کمیته های عمل درون یک تشکیلات سیاسی، ابتدا در سطح ملی و سپس در سطح سراسری ضامن پیروزی نهائی طبقه کارگر علیه سرمایه داری است. وظایف این کمیته ها سازماندهی کلیه جوانب فعالیت های کارگری است (سازماندهی اعتصاب، تحریم نهادهای دولتی، مبارزات اقتصادی و صنفی و غیره).

شوراهای کارگری

در وضعیت اعتلای جنبش کارگری، شوراهای در هر شهر و هر روستا می توانند؛ از طریق انتخابات نمایندگان کارگران و زحمتکشان؛ ایجاد گردند و بر کلیه امور منطقه خود نظارت کنند. وحدت کمیته های کارخانه، محلات، سربازان، بیکاران، روستائیان و کلیه زحمتکشان پایه های اصلی شوراهای را بنیاد می گذارند. این نهاد اولیه برای تشکیل حکومت کارگران و زحمتکشان است. شوراهای محدود به برنامه خاص یک حزب و یا یک گروه نمی باشند. درهای شوراهای بر روی کلیه استثمار شدگان و یا نمایندگان منتخب آنان باز است. تمام گرایش های سیاسی قادر به شرکت در شوراهای هستند.

گرچه پس از تهاجم به دستاوردهای جنبش کارگری، چشم انداز شکل گیری سازمان های دائمی توده ای طبقه کارگر غیر محتمل گشته است، اما در شرایط اعتلای مجدد جنبش کارگری، سازمان های دموکراتیک توده ای می توانند سریعاً احیاء گردند. کارگران مبارز خود را برای تشکیل چنین وضعیتی از هم اکنون آماده می کنند.

اعتصابات دوره قیام بوضوح نشان داد که چرخ های جامعه را خود کارگران می چرخانند. کارگران و زحمتکشان، خود قادر به تعیین سرنوشت خویش هستند.

در مقابل قدرت متمرکز سرمایه داران، لازم است که توده محروم و ستمدیده جامعه قدرت متشکل خود را سازمان دهد و مبارزات خود را هم آهنگ کرده و مستقلاً تصمیمات مربوط به امور خود را بگیرد. چنین عملی صرفاً از طریق اتحاد وسیع زحمتکشان در سازمان های مستقل توده ای، یعنی شوراهای، امکان پذیر است.

اتحادیه های مستقل کارگری

همانند شوراهای، اتحادیه های کارگری نیز در دوره اعتلای انقلابی شکل واقعی به خود می گیرند. اتحادیه های مستقل کارگری یکی از ابزار دائمی جنبش توده ای است. اتحادیه های مستقل کارگری چه در دوره استیلائی دولت سرمایه داری و چه در دوره استیلائی قدرت کارگری ضرورت خود را حفظ می کنند. اما، ایجاد اتحادیه های کارگری الزاماً یک مرحله اجتناب ناپذیر در رشد جنبش کارگری نیست. در شرایطی شوراهای می توانند پیش از اتحادیه های ساخته شوند.

کارگران پیشرو در تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری پیش قدم شده و تشکیل آنان را تسریع می کنند. اما اتحادیه های کارگری نیز همانند شوراهای کارگری نیز یک نهاد سیاسی- صنفی هستند نه صرفاً صنفی (انحراف سندیکالیستی).

اتحادیه های کارگری بدون در نظر گرفتن عقاید سیاسی و مذهبی، ملیت، نژاد و جنس، کلیه کارگران را برای مبارزه متحد در دفاع از منافع و خواست های خود زحمتکشان سازمان می دهد. اتحادیه های مستقل کارگری تنها از بطن مبارزه و توسط خود زحمتکشان شکل می گیرند.

حزب کارگران فعال ضد سرمایه داری

سندیکاهای کارگری غیر مستقل در جوامع سرمایه داری توسط نهادهای متشکل مانند احزاب سرمایه داری سازمان یابی می گردند. در ایران نیز احزابی وجود دارند که به مثابه ستون فقرات انجمن های اسلامی، شوراهای اسلامی و خانه کارگر بوده اند. در آینده نیز حزب سرمایه داری دیگری در مقام ستون فقرات سندیکاهای که با همکاری سازمان بین المللی کار در شرف سازماندهی هستند؛ قرار خواهد گرفت.

برنامه اقدام کارگری

طرح پیشنهادی

برنامه و سیاست های دولت ایران، برنامه ای برای اقدام سرمایه داری است.

هدف آنان حراست و حفاظت از نظام سرمایه داری و احیاء روابط نزدیک با سرمایه داری جهانی است.

نقشه آنان اعمال استثمار مضاعف بر طبقه کارگر و زحمتکشان ایران است.

قصد آنان اخذ ارزش افزوده و انباشت ثروت از طریق خرید نیروی کار زحمتکشان به بهایی ارزان تر از ارزش واقعی آنست.

در تقابل با برنامه آشکار و پنهان سرمایه داران برای استثمار کارگران، ضروری است که زحمتکشان نیز برنامه اقدام خود را داشته باشند. برنامه ای که آنان را برای مقابله روزمره با دولت سرمایه داری آماده کرده و شرایط را برای استقرار حکومت کارگری آماده کند.

اکنون با پیوند آشکار نظام سرمایه داری جهانی با دولت سرمایه داری ایران؛ کلیه قشر های استثمارشونده جامعه؛ کارگران؛ زحمتکشان؛ ملیت های تحت ستم؛ جوانان مبارزو زنان مبارز، می توانند برنامه اقدامی که آنان را زیر یک پرچم واحد ضد سرمایه داری و برای مبارزات روزمره ضد سرمایه داری گرد آورده و متحد کرده؛ تدوین کنند. مفاد این برنامه می تواند متکی بر مطالباتی باشد که از آگاهی کنونی قشر های تحت ستم آغاز شده و آنان را برای مقابله روزمره با سرمایه داری تا سرحد کسب حکومت کارگری؛ رهنمود دهد.

کارگران و زحمتکشان می توانند پیرامون مفاد این برنامه؛ مبادرت به خود سازماندهی کرده و در هر حوزه مبارزاتی با معرفی نمایندگان واقعی خود، وارد صحنه عمل گردند.

سازمانیابی کارگری

کارگران ایران تنها با اتکاء به نیروی خود و از طریق مبارزات، سیاست و برنامه مستقل خود قادر به دست یابی به حقوق خود خواهند شد. کارگران می باید تحت هر وضعیتی خود را سازمان داده و با ابزار مبارزاتی خود علیه رژیم سرمایه داری مقاومت کنند. قدرت تصمیم گیری در مورد سرنوشت کارگران هیچ گاه نباید به این و یا آن نیرو و یا رهبران و سیاستمداران دولتی واگذار شود.

پیروزی نهایی هر حرکت اجتماعی تنها با مبارزه مستقل توده ها و سازماندهی مستقل این اقدام تضمین خواهد شد. شکل های نهادهای کارگری که توسط خود پیشگام کارگری سازمان یابد در تحلیل نهائی پاسخ گوی نیاز های آنان خواهد بود. نهادهایی که می تواند توده ها و یا پیشروی آنان را بطور دموکراتیک و جدا از هرگونه افتراق حول مبارزات مشخص و عملی علیه دولت سرمایه داری بسیج کند.

محافل مخفی کارگری

پس از انقلاب بهمن ماه ۱۳۵۷، با افزایش فشارها علیه کارگران و زحمتکشان و تغییر تناسب قوا به ضرر کارگران، تشکل های مشخصی بر اساس نیاز مبارزاتی کارگران پیشگام در مراکز صنعتی توسط محافل کارگری مبارز شکل گرفت. این شکل از تشکل مستقل کارگری، محافل مخفی کارگران پیشرو بوده است.

محافل مخفی کارگری که متناسب با تجربیات مبارزات شورائی دوره قبل از قیام و در تداوم آن شکل گرفت و توسط پیشگام کارگری (مبارزینی که به اتکای تجربه انباشت شده گذشته به درک تکالیف روزمره و مسائل سازماندهی مبارزه دست یافته و در اکثر اوقات جدا از گروه ها و سازمان های مدافع طبقه کارگر و روشنفکران) سازمان یافته اند.

مطالبه تأسیس یک تشکل مستقل کارگری ضد سرمایه داری؛ اگر قرار باشد از سطح تبلیغاتی خارج شده و جنبه عملی به خود گیرد، باید با تشکیل یک ستون فقرات مرتبط به آن، پیوند خورد. این ستون فقرات «حزب کارگران فعال ضد سرمایه داری» است. به سخن دیگر کارگران ضد سرمایه داری نیز، همانند سرمایه داران، باید مجهز به حزب خود باشند و این نهاد ستون فقرات تشکل مستقل کارگری ضد سرمایه داری را شکل می دهد. چنان چه این ستون فقرات وجود نداشته باشد؛ یا تشکل مستقل ضد سرمایه داری شکل نمی گیرد و تنها در حد یک شعار غیر عملی باقی می ماند؛ یا چنان چه شکل گیرد، پس از دوره کوتاهی زیر فشار نیروهای متخاصم به انحراف می رود.

مبارزه علیه تورم و بیکاری

نظام سرمایه داری ایران دچار بحران اقتصادی دائمی است. آمار دولتی از وجود بیش از ۳ میلیون بیکار در ایران خبر می دهد و این غیر از ۷۰۰ هزار تن نیروی کار جدید است که هر ساله وارد بازار می شوند و بخش بزرگ از آنان شغلی پیدا نمی کنند. نرخ بیکاری حداقل ۱۷ درصد است. تشدید تورم و بیکاری روش معمول سرمایه داران برای رفع بحران اقتصادی است. نتیجه ازدیاد تورم نیز بالا رفتن قیمت ها است. مسبب شرایط موجود وخیم تر شدن وضع اقتصادی، سیاست های دولت سرمایه داری است.

اما شیوه ی همیشگی گرداندگان دولت اینست که کلیه مشکلات و فلاکت ها را بر دوش کارگران بیندازد. امروز بیش از هر زمان دیگری، بخش اعظم کارگران در خطر پیوستن به تهیدستان شهری قرار دارند. صدها هزار تن از کارگران فعال و شاغل کشور به علت سیاست های دولت، بیکار و بی خانمان شده اند. بهای مواد اولیه (حتی نان و برنج) هر روز در حال افزایش است و کوچک ترین اقدام اساسی برای مهار کردن آن انجام نمی گیرد. سیاست های سرمایه داران، کارگران را در معرض نابودی مالی قرار داده است. میلیون ها کارگر به نان شب خود و خانواده خود محتاج اند. آنان نیز که هنوز بیکار نشده اند، با افزایش قیمت ها به خیل فقرزدگان می پیوندند.

تورم و بیکاری جزء لاینفک نظام سرمایه داری هستند. برای افزایش سود، سرمایه داران مجبورند دستمزدها را پایین بیاورند و قیمت ها را بالا ببرند. اما، این کار باعث کم شدن قدرت خرید مردم و در نتیجه فروش نرفتن بخشی از محصولات تولید شده می شود. برای رفع این مشکل سرمایه داران وارد رقابت شدیدتر با یکدیگر می شوند و عده ای را از میدان بدر می کنند. در نتیجه عده ی زیادتری بیکار شده و قدرت مصرف جامعه پایین می آید. بحران اقتصادی شدت می یابد. این بحران به صورت بحران اضافه تولید نمایان می شود. یعنی این که جامعه قدرت خرید آن چه را که تولید می شود، ندارد. در این شرایط تورم هم به سرعت ازدیاد می یابد زیرا که ورشکستگی بالا می گیرد. کارخانه ها یکی پس از دیگری یا تعطیل می شوند و یا از ظرفیت تولید خود می کاهند. پائین آوردن ظرفیت تولید به معنای بالا رفتن مخارج تولید است. در نهایت تولید اضافی خود را، به صورت پائین آوردن سطح تولید و بالا بردن قیمت ها نشان می دهد.

در چنین شرایطی نخستین سوالی که برای کارگران مطرح می شود، اینست که چه کسی مسئول و مسبب اصلی این بحران هاست؟ پاسخ دولت روشن است: کارگران و زحمتکشان. اما، در مقابل، طبقه کارگر پاسخ خود را دارد و در جهت تحقق آن مبارزه می کند. بدیهی است که نظام پوسیده سرمایه داری مسئول اصلی چنین مصیبت هایی در جامعه است. و رئیس برنامه عمل کارگران برای مقابله با تورم و بیکاری در چنین جامعه ای از قرار زیر است:

در جامعه سرمایه داری حق کار، ابتدائی ترین حق کارگران است. دولت سرمایه داری موظف است که برای کلیه کسانی که نیاز به کار کردن دارند کار با شرایط زندگی متوسط ایجاد کند. سلب کار و یا اخراج بی رویه کارگران، حتی در چارچوب نظام سرمایه داری عملی است غیرقانونی. اما، در "قانون کار" رژیم، دست مدیران برای سلب کار از کارگران باز گذاشته شده است.

اگر نظام سرمایه داری قادر به تأمین کار برای کسانی که خواهان کار کردن هستند، نمی باشد، وظیفه دولت تأمین زندگی آنان است. به جای

اعطای وام به سرمایه داران، دولت باید به کلیه بیکاران بیمه بیکاری پرداخت کند.

حداکثر ۴۰ ساعت کار در هفته و دو روز تعطیل هفتگی و یک ماه مرخصی در سال با حقوق، باید برای کلیه کارگران توسط دولت تضمین گردد، ۴۴ ساعت کار هفتگی مفید در "قانون کار" باید فوراً لغو گردد.

تحت هیچ شرایطی کارگران نباید اخراج گردند. اگر رژیم سرمایه داری قادر به نگهداری کلیه نیروی کار نیست، باید به جای اخراج، کار موجود را بدون کسری حقوق، میان کارگران تقسیم کند. کاهش متناسب ساعات کار، همراه با پرداخت حقوق کامل به کارگران، تنها راه اساسی مقابله با بیکاری اجباری است.

تبلیغات دولت مبنی بر کمبود کار نا درست است. کار به اندازه، کافی در جامعه موجود است. اما کاری که جیب سرمایه داران را پرتر کند، کم است. زحمتکشان ایران نیاز مبرم به خدمات، مسکن، پارک برای تفریح، کتابخانه، بیمارستان، مدرسه، دانشگاه و مهدکودک.... دارند. دولت باید بلافاصله با اتخاذ مالیات های تصاعدی از شرکت های بزرگ و تجار پولدار و به کار انداختن معقول منابع عظیم نفت، دست به اجرای وسیع برنامه های عمرانی و خدمات اجتماعی بزند. از این طریق هم نیازهای جامعه بر آورده می شود و هم کار برای مدتی طولانی ایجاد می شود.

باید برای کلیه کارگران حداقل دستمزد متناسب با مخارج تعیین گردد. حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار از ابتدای سال ۸۲ روزانه ۲۸۴۶۶ ریال و ماهانه معادل ۸۵ هزار و ۳۳۸ تومان تعیین شد. این رقم در شرایطی که طبق آمار خود دولت هزینه متوسط یک خانواده شهری بیش از این رقم در روز می باشد، ناکافی است.

کلیه کارگران باید از پرداخت مالیات معاف گردند. مالیات غیرمستقیم که از مواد اولیه غذایی اخذ می گردد، باید فوراً لغو گردد. باید نظام مالیاتی درجه بندی شده ای که با افزایش در آمد به صورت تصاعدی افزایش می یابد، اعمال گردد.

لغو اسرار معاملاتی و استقرار کنترل کارگری

در مقابل خواست های به حق کارگران و زحمتکشان برای رفع مشکلات زندگی خود، وزیران و مدیران دولتی صرفاً وعده و وعید می دهند. به کارگران می گویند که "در نتیجه تحریم اقتصادی اوضاع نابسامان است و درآمد دولت کفاف مطالبات کارگران را نمی دهد". می گویند که باید "صبر انقلابی" داشت و فداکاری کرد. می گویند "کارخانه ها باید «بازسازی» و «نوسازی» شوند و نیاز به میلیون ها دلار ارز دارند. می گویند "کارخانه ها سودآور نیست و در آنها باید بسته شود و کارگران بازنشسته شوند".

پاسخ کارگران و زحمتکشان به نمایندگان سرمایه داران بسیار ساده است: "اگر اوضاع وخیم است بگذارید حساب دخل و خرج را ما نیز ببینیم! اگر می خواهید ما فداکاری کنیم، دفترها را باز کنید! چرا حساب و کتاب ها باید جزء اسرار باشند؟ دول غربی که از آنها با خبر است، چرا ما نباشیم؟"

وضعیت کارگران و زحمتکشان شهر و روستا برای همه روشن است: آنان حتی قادر به یک زندگی عادی انسانی نیستند (کرایه مسکن گزاف، گرانی مواد غذایی و وضع وخیم بهداشت و فساد و رشوه گیری در تمام سطوح دولتی... امکان زندگی متوسط را به کارگران غیروابسته دولتی نمی دهد). اما، سرمایه داران بازار، دلالتان و رشوه گیران دولتی، طی سال های گذشته پولدارتر و پولدارتر شده اند. اینان اموال انباشت کرده و در ادامه روش دولت شاهنشاهی، برای روز مبادا، دلار در بانک های خارجی می گذارند. این استثمارگران که حیات اقتصادی جامعه را تحت کنترل خود دارند، هرگز اسرار معاملاتی خود را برملا نمی کنند. چگونگی خرید و فروش ارز، ارتباط با دلالتان غربی و زودبندهای مالی و غیره همیشه پشت پرده باقی می ماند. بدیهی است که این چنین شیوه ای برای زحمتکشان قابل پذیرش نیست و نباید ادامه یابد. در این مورد مطالبات کارگران از قرار زیرند:

برای رفع بحران اقتصادی و مشکلات روزمره کارگران و زحمتکشان، دولت می باید فوراً حساب دخل و خرج کلیه سرمایه داران

بازاری و غیربازاری و ارتباط مالی با دیگر دولت های غربی را علناً در مطبوعات اعلام کند. باید تمامی دفترهای حساب و کتاب و اسرار معاملاتی ثروتمندان ایران و «بنیاد»ها باز شوند. باید کل جامعه بدانند که مسئله بر سر چیست. اگر درست است که اوضاع اقتصادی نابسامان است چه ترسی از علنی کردن اسرار معاملاتی وجود دارد؟

اگر قرار است که سرمایه داران و سهام داران که اقلیتی در جامعه هستند، اسرار معاملاتی جامعه را بدانند، چرا، اکثریت جامعه، یعنی تولیدکنندگان، گردانندگان اصلی تولید، از آن اسرار آگاه نباشند؟

کارگران باید با تمام اجزاء این دستگاه آشنایی کامل داشته باشند، زیرا تنها آنان می توانند در باره نحوه کارکرد آن قضاوت کنند. کارگران قابلیت بیشتری برای کنترل صنایع، بانک ها و تجارت دارند، تا سرمایه داران و مدیران نالایق.

بدون استقرار کنترل کارگری و لغو کلیه اسرار معاملاتی، اجرای هرگونه اقدام در جهت بهبود اوضاع اقتصادی غیرممکن خواهد بود.

باید در سطح هر کارخانه، توسط نمایندگان منتخب کارگران، و نه نهادهای اسلامی وابسته به دولت، کمیته هایی برای بازرسی دفاتر، نظارت بر تولید، سرمایه گذاری های جدید، استخدام و یا اخراج کارگران و سازماندهی کار در کارخانه و کلیه امور مربوط به کارگران، تشکیل گردد. تنها از طریق چنین کاری است که استقرار کنترل کارگری معنای واقعی پیدا می کند.

مبارزه برای آزادی زنان

آزادی در هر جامعه ای با میزان آزادی زنان در آن جامعه سنجیده می شود. اما، مشخصه جامعه ایران، قبل از هر چیز، همان بی حقوقی کامل زنان آنست.

تبعیض و نابرابری اجتماعی دو جنس (زن و مرد)، در دوره خاصی از رشد جوامع بشری پدیدار شد. با تغییرات در نظام های اجتماعی دچار تغییر و تحول شد و در آینده می تواند جای خود را به روابط برابر و آزاد افراد بدهد. اما امروزه، هنوز در تمام جوامع سرمایه داری، زنان تحت ستم و تبعیض قرار دارند و این ستم یکی از وسائلی است که به حفظ سلطه طبقه سرمایه دار کمک می رساند.

در تمام جوامع سرمایه داری، زنان موظف به انجام وظائف شوهرداری، خانه داری و بچه داری اند. این کار مجانی زنان، در چهاردیواری خانه، یا به عبارتی این بردگی خانگی، باعث می شود که مخارج باز تولید روزانه نیروی کار و مخارج پرورش نسل جدید کاهش یابد و سرمایه داران بتوانند نیروی کار را با قیمت ارزان تری خریداری کنند، یعنی دستمزد کمتری برای مخارج ضروری زندگی کارگر بپردازند.

در تمام جوامع سرمایه داری، زنان خانه دار بخش اعظم ارتش ذخیره کار (بیکاران) را تشکیل می دهند. سرمایه داری هرگز قادر نیست برای کلیه افراد جامعه، کار ایجاد کند، و مضمون «خانه داری»، پرده استتار خوبی برای پنهان کردن خیل عظیم زنان بیکار، و پراکنده کردن اعتراضات علیه بیکاری است.

از سوی دیگر، کارفرمایان از این موقعیت ویژه و ضعیف زنان استفاده کرده و به زنان شاغل دستمزد و مزایایی کمتر از ارزش واقعی نیروی کار آنها می دهند. تبعیض علیه زنان کارگر و شاغل، در صورتی که مورد قبول مردان کارگر قرار گیرد. باعث تفرقه و رقابت در طبقه کارگر شده و اتحاد طبقاتی علیه سرمایه داران را تضعیف می کند. به این ترتیب می بینیم که طبقه سرمایه دار از طریق ستم بر زن، با یک تیر چند نشانه می زند.

در ایران نیز چنین وضعیتی علیه زنان حاکم است. تغییرات اخیر در «قانون کار» و حذف کارگاه های کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار، نیز در پیوند تنگاتنگ با سیاست های سرمایه داری جهانی (سازمان بین المللی کار) و دولت؛ در تهاجم عمدتاً علیه حقوق زنان کارگر است. برای راه اندازی «صنایع» مورد نیاز امپریالیزم، جامعه ایران به «نیروی کار» کافی احتیاج دارد. تنها منبع عظیم نیروی کار در کارگاه های کوچک (که شامل زنان است) نهفته است.

طبق آمار رسمی دولتی، شاغلین در کارخانه های بیش از ۱۰ نفر به مراتب نازل تر از کارگاه های (زیر ۱۰ نفر) است. بر مبنی

سرشماری ۱۳۷۵ تعداد کارگاه های بزرگ به ۸۴۶ هزار نفر رسیده است... (و) شمار واحدهای صنعتی ۱۳۳۷۱ واحد است. در صورتی که شاغلان، تنها در بخش صنعت و معدن روستایی در سال ۱۳۷۵ به ۱/۵ میلیون نفر افزایش یافته است. هم چنین در حدود ۱ میلیون نفر در کارگاه های کوچک روستایی به کار اشتغال دارند (۹۲ درصد آنها کارگاه های خانگی هستند). اضافه بر این ها، در شهرها نیز در صنایع کوچک تعداد کارگران به ۱ میلیون ۲۵۸ هزار نفر می رسد.

در نتیجه همان طور که مشاهده می شود نیروی کار متشکل در کارگاه های کوچک، به چند برابر نیروی کار شاغل در کارگاه های بزرگ می رسد. بدیهی است که «آزاد سازی» نیروی کار بایستی از کارگاه های کوچک سازمان یابد. حذف کارگاه های کمتر از ۵ نفر از شمول قانون کار در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۵) و در پی آن طرح اخیر شورای عالی کار مبنی بر حذف کارگاه های کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار، بخشی از سیاست آزاد سازی نیروی کار است؛ و لبه تیز حمله آزادسازی ها نیز متوجه زنان کارگر است.

اما علاوه بر تمام این ها، قوانین مذهبی، عشیره ای و قبیله ای- نظیر قصاص و... نیز در ایران توسط دولت سرمایه داری؛ بر زنان تحمیل شده، و وضع بی سابقه و غیرقابل تحملی را برای زنان ایران ایجاد کرده است.

دولت سرمایه داری حاکم بر ایران، سرکوب زنان و حمله هر روزه و بی وقفه به حقوق آنان را به یکی از ارکان اصلی حاکمیت خود تبدیل کرده است و از این طریق تمام اقشار و طبقات پائینی را مرعوب می کند. لذا آزادی کل جامعه ایران از ستم و استثمار، بیش از هر زمان دیگری به امر آزادی زنان پیوند خورده است.

دفاع از کلیه مبارزات زنان برای کسب تساوی کامل و رفع هرگونه تبعیض با دفاع از منافع تمام زحمتکشان ادغام شده است. کارگران و زحمتکشان ایران در دفاع پیگیرانه و بدون قید و شرط از مبارزات زنان برای کسب حقوق اولیه شان ذینفع هستند. دفاع از حقوق زنان و آزادی آن ها از قید و بند قرون وسطی ای؛ راه را برای آزادی کل جامعه هموار می کند. مطالبات اصلی در مقابل دولت سرمایه داری، در دفاع از زنان از قرار زیرند:

حق زنان در ایجاد تشکلات ویژه و مستقل، برای دفاع از منافع خود باید به رسمیت شناخته شود. باید کوشش شود که زنان به نسبت تعدادشان به تمام نهادها، به ویژه نهادهای قانون گذاری و قضاوت راه یابند.

تساوی کامل حقوقی، اجتماعی و سیاسی زنان باید تامین گردد. تمام قوانینی که به شکلی بر علیه زنان تبعیض قائل می شوند، باید فوراً لغو شوند. هرگونه تبعیض علیه زنان، چه تحت عنوان مذهب، چه به استکاء قانون و یا آداب و رسوم باید صریحاً غیرقانونی اعلام گردند. زنان باید از حقوق کامل فردی برخوردار باشند. هیچ کس حق ندارد، در حقوق زنان برای انتخاب پوشش، انتخاب رشته تحصیلی و حرفه و شغل، انتخاب محل سکونت... و حق سفر آنان محدودیتی اتخاذ کند.

تمامی قوانین مربوط به ازدواج و خانواده که مبین نقض علیه زنان هستند، باید لغو گردند. ازدواج امری است داوطلبانه که می تواند توسط یک قانون مدنی به ثبت برسد. کلیه ازدواج های اجباری و خرید و فروش زنان (تحت عنوان ازدواج) باید خاتمه یابند. هرگونه آزار جسمانی و قتل همسران، دختران و خواهران (تحت لوای «هتک ناموس») باید پایان یابد. حق طلاق، بدون قید و شرط، بطور مساوی باید برای زن و مرد وجود داشته باشد. در امر حفاظت فرزندان، هیچ تبعیضی علیه مادران نباید اعمال گردد. «چند زنی» الغاء و واژه «فرزند نامشروع» باید ممنوع گردد. تبعیض علیه مادران ازدواج نکرده باید خاتمه یابد و امکانات رفاهی لازم در اختیار آنان قرار گیرد. استقلال کامل اقتصادی زنان باید تأمین گردد. کلیه زنانی که مایل به کار هستند، اما قادر به یافتن کار نیستند، باید بیمه بیکاری دریافت دارند. تبعیضات علیه زنان در هر صنف، حرفه و شغلی باید متوقف شوند. زنان باید در مقابل کار مساوی، دستمزد مساوی مردان دریافت دارند. در دوره بارداری و زایمان باید حقوق کامل با حفظ شغل و سابقه کار به آنان تعلق گیرد.

غیر قانونی اعلام کردن تحمیل هرگونه ستم بر اساس زبان، فرهنگ و نژاد. دولت مرکزی باید بلافاصله ارتش خود را از مناطق زندگی ملت های تحت ستم خارج کند. و برنامه وسیع عمرانی برای احیاء مناطق ویران شده به اجرا بگذارد.

به رسمیت شناخته شدن حق کلیه ملت های تحت ستم ایران در تعیین سرنوشت خود تا سرحد ایجاد دولت ملی. ملت ها باید بتوانند از طریق تشکیل مجلس های مؤسسان ملی خود، بطور دموکراتیک سرنوشت خویش را تعیین کنند.

ایجاد همبستگی با سایر ملل تحت ستم در کشورهای همسایه و کمک رسانی و گسترش مبارزات آزادی بخش این ملت ها در جهت مقابله با اجحافات دول سرمایه داری.

اتحاد کارگران و دهقانان

دهقانان حدود ۳۰٪ جمعیت شاعل ایران را تشکیل می دهند. رهایی کلیه زحمتکشان ایران از یوغ سرمایه داران و امپریالیزم بستگی به وحدت کارگران و دهقانان دارد. کارگران باید از مبارزات دهقانان فقیر حمایت کرده و برنامه اقدام کارگران باید پاسخ گوی نیازهای توده های وسیع دهقانان فقیر نیز باشد. درخواست های عمومی کارگران در مورد مسئله دهقانان از قرار زیرند:

زمین های کلیه مالکین و زمین داران بزرگ باید بدون پرداخت غرامت به تصرف دهقانان در آیند. اداره این زمین ها باید به شوراهای دموکراتیک دهقانان واگذار شود.

کلیه بدهی های دهقانان به دولت، نزول خوران و زمین داران بزرگ باید فوراً لغو گردد. دولت باید امکانات سهل اعطای اعتبارات و قرض های بدون بهره به دهقانان را فراهم سازد. دهقانان باید قادر به تشکیل تعاونی های تولیدی تحت کنترل شوراهای دهقانی باشد.

کلیه شرکت های بزرگ کشت و صنعت باید ملی شوند و تحت کنترل کارگران کشاورز قرار گیرند.

اداره امور کلیه شرکت های تعاونی روستائی و سهامی زارعی باید به خود دهقانان واگذار شوند. در این شرکت ها افراد نباید بر اساس مقدار زمین امتیاز ویژه ای دارا باشند.

زمین های کشاورزان خرده پا نباید به اجبار از آنان پس گرفته شوند.

دولت باید برنامه توسعه آبیاری مصنوعی و توسعه شبکه برق سراسری، همراه با برنامه تأمین بهداشت و تحصیل رایگان را اجرا کند. کلیه دهقانان باید همانند سایر شهروندان از مزایای اولیه زندگی برخوردار باشند. تکنیک های پیشرفته تولیدی و ماشین آلات لازم کشاورزی باید از طریق مؤسسات غیرانتفاعی با شرایط سهل در دسترس کشاورزان قرار گیرد.

اسکان دادن اجباری ایل نشینان باید متوقف گردد. کنترل مناطق ایل نشینان باید به خود آنان واگذار شود.

نبرد برای دموکراسی

دولت سرمایه داری همواره خواهان سرکوب حقوق دموکراتیک کارگران و کلیه قشرهای تحت ستم در جامعه است. دولت با هرگونه آزادی هر چند محدود مخالفت می ورزد. آزادی بیان، تجمع و اعتصاب، کل نظام سرمایه داری را مورد سؤال قرار می دهد. زیرا که امروز صرفاً عده ای سرمایه دار صاحب کلیه ابزار تولید، بانک ها و زمین ها و کارخانه ها هستند و هرگونه اعتراضی به این منابع، کل حیات آنان را به مخاطره می اندازد. دولت سرمایه داری حافظ منافع این سرمایه داران است و به این علت به محض وقوع اعتراضات توده ای پاسداران، بسیجی ها و «لباس شخصی ها»، پلیس و ژاندارم را به جان مردم می اندازد و هر اعتراضی را سرکوب می کند. کشتار کارگران خاتون آباد؛ جامکو؛ شادان پور و اسلام شهر نمایانگر اقدامات دولت در حفاظت از سرمایه داران است.

مطالبات کارگران و زحمتکشان ایران در نبرد برای دموکراسی از قرار زیرند:

۱- آزادی های دموکراتیک- تأمین آزادی های سیاسی و مدنی. لغو کامل سانسور، آزادی بدون قید و شرط بیان، تشکلات سیاسی، اندیشه، آزادی تظاهرات و تجمع های صنفی و سیاسی، آزادی کلیه احزاب و

حق کنترل زنان بر بدن خود باید به رسمیت شناخته شود. حق تصمیم گیری در مورد بچه دار شدن یا نشدن زنان، به خود آنان مربوط است. کلیه قوانینی که علیه سقط جنین یا جلوگیری از حاملگی وجود دارد باید ملغی شوند. امکانات مجانی در این موارد باید در دسترس زنان قرار گیرد. مراکز آموزش شیوه های صحیح و بی خطر جلوگیری از بارداری باید در محلات، مدارس، کارخانه ها، بیمارستان ها و روستاها دایر شوند. برای زنانی که تصمیم به بچه دار شدن می گیرند نیز باید تمامی امکانات لازم تأمین گردد.

بردگی خانگی زنان باید پایان یابد و جامعه به مسئولیت خود در قبال پرورش و آموزش کودکان عمل کند. در تمام محلات باید مهد کودک ها و مراکز نگهداری اطفال بطور رایگان در خدمت تمامی کودکان صرف نظر از موقعیت شغلی مادران، موقعیت زناشویی والدین و درآمد آنان قرار گیرد. اداره این اماکن باید تحت نظارت و بازرسی کامل والدین باشد. امکانات خدمات خانگی ارزان نظیر رستوران، لباسشویی و ... باید فراهم آیند تا فشار کار خانگی از دوش زنان برداشته شود.

مبارزه برای رهایی ملت های تحت ستم

در ایران چندین ملت وجود دارد. اکثریت جامعه از ملت های غیرفارس تشکیل شده است. امپریالیزم با ایجاد دولت های قوی وابسته به خود و با تکیه بر بزرگترین ملت ایران، یعنی فارس ها، سایر ملت را سرکوب و آنان را از کلیه مزایای اولیه زندگی محروم کرده است. امپریالیزم سلطه خود را از طریق ایجاد ابزار سرکوب در دست دولت مرکزی علیه هر جنبش ملی، استوار کرده و تاکنون به حیات و حضور خود در منطقه ادامه داده است. در نتیجه، این ملت ها از ستمدیده ترین بخش های جامعه شده اند و بطور دائم در تقاضای دولت مرکزی قرار می گیرند و بطور پیگیر توسط قوای دولت مرکزی سرکوب و قتل عام می شوند. سرکوب کلیه حقوق ملی ملت های غیرفارس، همواره یکی از ارکان اصلی ادامه حیات دولت های سرمایه داری در ایران بوده است. دولت های مرکزی از طریق سرکوب ملت های تحت ستم وفاداری خود را به امپریالیزم نشان می دهند. همان طور که مشاهده شد، چه در دوره نظامی شاهنشاهی و چه در دوره کنونی محور اصلی اقدام دولت ها، علیه زحمتکشان کرد و ترکمن و عرب بوده است.

به علاوه، این مردم تحت ستم و محروم، در اغلب شرایط انسجام ملی و ارضی خود را از دست داده اند. امپریالیزم بنا بر اهداف خود مردم منطقه را متشعب کرده است. مرزبندی های کاذب بوجود آورده است. مردمی که در حوالی این مرزها زندگی می کردند بطور تصنعی تجزیه شدند. برای مثال آذربایجانی ها بین روسیه تزاری و ایران؛ کردها بین ایران، عراق، ترکیه، سوریه و روسیه؛ بلوچ ها بین ایران، پاکستان و افغانستان تقسیم شدند. این ملت ها توسط دولت های مرکزی تحت شدیدترین سرکوب ملی و استعمار قرار گرفته اند.

در نتیجه ابتدائی ترین و اولین گام در راه رهایی مردم تحت ستم منطقه از میان برداشتن سلطه امپریالیزم و دولت های مستبد سرمایه داری مرکزی وابسته به آن است. زیرا که این دولت ها همواره در مقابل خواست های به حق این ملت ها از هیچ شیوه ای ابا نداشتند. مناطق زندگی این ملل به صورت مناطق اشغال شده در آمده و ارتش دولت مرکزی هرگونه حرکتی را بطور وحشیانه سرکوب می کنند.

کارگران و زحمتکشان فارس نباید تحت تأثیر عوامفریبی های دولت مبنی بر ایجاد افتراق بین آنان و ملت های ستمدیده، قرار گیرند. زحمتکشان سراسر ایران باید از آزادی کامل و حق تعیین سرنوشت ملت ها، دفاع را سخ کنند.

تنها از این طریق است که کارگران فارس قادرند ستمی را که به نام آنان توسط دولت مرکزی، بر متحدان خود روا داشته شده است، جبران کنند. ملت های ترک، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن؛ ارمنه و افغانی با ملت فارس تضادی ندارند. دشمن کلیه زحمتکشان دولت سرمایه داری است.

کارگران مبارز ضد سرمایه داری و پیشرو خواهان مطالبات زیر هستند:

گروه های سیاسی، آزادی و حقوق مساوی برای زن و مرد و کلیه مذاهب جامعه و آزادی سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری و دهقانان و ملیت ها از ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک مردم ایران هستند. ۲- جدایی مذهب از دولت- بدون جدایی مذهب از دولت استقرار یک جمهوری دموکراتیک کارگری امکان پذیر نیست. مذهب امری کاملاً خصوصی است. مسلماً آزادی کامل و بدون قید و شرط مذهب و عقاید باید برای کلیه اعضای جامعه تأمین گردد. بنابراین، کلیه ادیان و مذاهب باید از لحاظ شکل سازمانی، مالی و قانونی کاملاً از دولت جدا باشند. قوانین یک جامعه نمی تواند بر قواعد و قوانین یک مذهب مشخص متکی باشد (حتی اگر آن مذهب اکثریت باشد). بخشی و یا کل بودجه یک کشور نمی تواند صرف مخارج یک مذهب خاص گردد. جامعه نمی تواند برای سلسله مراتب یک مذهب خاص حقوق سیاسی و اجتماعی ویژه قائل شود.

۳- انتخابات آزاد کلیه مناصب و مشاغل دولتی باید انتخابی باشند. دولت کلیه مناصب را از بالا تعیین کرده و تمام آنها انتصابی اند. کارگران و زحمتکشان هیچ کنترلی بر انتخاب ندارند. در انتخابات مجلس اگر تقلب صورت نگیرد؛ تمام نمایندگان نظرات یک عده معدودی را در مجلس نمایندگی می کنند. مردم باید بتوانند، در انتخاب تمام مأموران حکومتی مستقیماً شرکت کنند و بر آنها نظارت کامل داشته باشند. هیچ کدام از مأموران نباید حقوقی بیشتر از حقوق متوسط کارگران داشته باشند. انتخاب کنندگان باید هر لحظه بتوانند انتخاب شدگان را بر کنار کنند.

۴- نهادهای سرکوب- کلیه دستگاه های اختناق و سرکوب باید منحل گردند. تنها راه ادامه حیات دولت ابزار سرکوب و اختناق است. پلیس مخفی (لباس شخصی ها)، پلیس و کمیته ها از ارکان و پایه های دولت سرمایه داری به شمار می آیند. کارگران و دهقانان مسلح تحت کنترل شوراهای شهری و روستائی خود قادر به حفظ نظم در شهرها و دهات هستند. کلیه نهادهای سرکوب باید منحل گردند و نظارت بر امور روزمره شهرها به خود مردم واگذار شود. سنت کمیته های محلات دوران قبل از قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ باید احیاء شود و کمیته های دولتی فعلی که کاری جز جاسوسی و اذیت و آزار کارگران را ندارند باید منحل گردند. کلیه دادگاه های نظامی و مذهبی که هزاران جوان را بدون محاکمات واقعی، هر چند صباح یا به جوخه اعدام می سپارند و یا سر به نیست می کنند، باید از بین بروند. برای محاکمه همه جرایم باید هیأت منصفه متشکل از مردم عادی حضور داشته باشد. قضات باید منتخب مردم باشند.

مبارزه با امپریالیزم

کشور ایران مانند بسیاری دیگر از کشورهای «عقب نگه داشته» دنیا؛ سال های سال تحت سلطه امپریالیزم قرار داشته است. فقر و فلاکت و عقب افتادگی جامعه ما ناشی از این سلطه بوده است. بنابر این هرگونه تلاشی برای بهبود وضع محرومین جامعه و از میان برداشتن نابرابری های عمیق اجتماعی در ایران بدون مبارزه ای جدی علیه سلطه امپریالیزم بی معنی و بی فایده خواهد بود. اشغال عراق و افغانستان توسط نیروهای امپریالیستی به سرکردگی دولت آمریکا؛ نشان دهنده روش قلدرمنشانه و تهدیدآمیز این دول در برخورد به مسایل مردم ستمدیده منطقه است. از این رو یکی از مرکزی ترین تکالیف انقلاب ایران و منطقه؛ و یکی از ملموس ترین اهداف مبارزات زحمتکشان و ستمدیدگان رهایی از زیر یوغ امپریالیزم جهانی است. طبقه کارگر و ستمدیدگان ایران از همان ابتدا با این وظیفه مرکزی مقابله با امپریالیزم روبرو بوده و همواره در سطوح مختلف اجتماعی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ضرورت مبارزه با آن را احساس کرده اند.

توده های کارگر؛ زحمتکش و ستمدیده همواره خطر تهاجم امپریالیزم به خود را جدی تلقی کرده اند و به تجربه دریافته اند که با هر قسمی که در راه پیشبرد انقلاب بر می دارند خطر این تهاجم جدی تر می گردد. اینک دولت سرمایه داری (هر دو جناح) در جهت تدارک دعوت سرمایه داران جهانی برای «سرمایه گذاری» (استثمار کارگران) اقدام علنی به عمل آورده است. از سوی دیگر سرمایه داری جهانی برای انتقال سرمایه های خود به ایران و اعمال استثمار مضاعف بر

کارگران، امنیت سرمایه و ضمانت اجرای قوانین بین المللی را طلب می کند. تدارک برای این زمینه سازی ها و تسهیلات، از سال های پیش آغاز شده، و در اجلاس ۱۷ ژوئن ۲۰۰۲ (۲۷ خرداد ۱۳۸۱) سران ۱۵ کشور اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ، رسمیت یافت و دوره اول مذاکرات رسمی از دسامبر ۲۰۰۲ آغاز شد. دور دوم مذاکرات دولت، در خصوص موافقت نامه های تجارت و همکاری اقتصادی در ۱۶ بهمن ۱۳۸۱ در بروکسل انجام شد. در پی این تحولات نوین؛ محمد خزاعی، رئیس کل «سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی»، اعلام کرد که ایران در ماه های پیش ۵۴ طرح درخواست سرمایه گذاری با حجم ۴/۵ میلیارد دلار در یافت کرده که این رقم از قراردادهای ۱۰ سال گذشته بیشتر بوده است. بنابرین اهداف سرمایه داری جهانی در راستای ایجاد زمینه ضروری برای سرمایه گذاری و استثمار مضاعف کارگران ایران در شرف تحقق است. ایجاد شعبه سازمان بین المللی کار و تشکیل سندیکای کارگر در ایران نیز در همین راستا است.

در چنین وضعیتی، خطر این تهاجمات سیاسی هر چه بیشتر محسوس است و عناصر آگاه و مبارز و کارگران پیشرو ضرورت حفظ و استحکام دست آوردهای کنونی خود (هر چند ناچیز) و مبارزه قاطعانه برای ریشه کن ساختن نفوذ امپریالیزم و ایادی داخلی آن از ایران را هر چه بیشتر در می یابند. کارگران؛ زحمتکشان و ستمدیدگان ایران دریافته اند که باید به سلطه امپریالیزم برای همیشه پایان دهند و یا بار دیگر، چون گذشته، با شکست مواجه گردند.

اما نخستین نکته ای که باید برای همه کارگران، ستمدیدگان و زحمتکشان روشن باشد این است که برای پیشبرد مبارزه با امپریالیزم نمی توان و نمی باید به سیاستمداران صاحبان ثروت و دولت آنان چشم دوخت.

دولت ایران با احیاء وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیزم باعث از هم پاشیدگی بخش اعظم تولیدات داخلی خواهد شد. امپریالیزم جهانی قراردادهایی به مراتب بیشتر و قیمت هایی به مراتب غیر عادلانه تر از گذشته را به ایران تحمیل خواهد کرد.

از دولتی که به دوش قیام محرومین و ستمدیدگان ایران به قدرت رسیده است اما از همان روز اول دست به بازسازی نظام ظلم و استبداد سرمایه داری زده است چه توقعی بیش از این می توان داشت؟ کارگران و زحمتکشان ایران باید با ارائه راه حل مستقل خود و سازماندهی مبارزات مستقل خود مبارزه علیه امپریالیزم و ایادی داخلی آن را به پیش ببرند.

صاحبان ثروت که خود بخشی از سلطه امپریالیزم هستند، قادر به اجرای چنین مبارزه ای نیستند. آنها فقط می توانند راه را برای سلطه جدید امپریالیزم فراهم سازند. آنها با مردم فریبی های به اصطلاح «ضدامپریالیستی» هدفی جز منحرف ساختن زحمتکشان از مبارزه واقعی برای زدودن کثافات امپریالیزم و ریشه کن کردن واقعی سلطه آن ندارند. پرسیدنی است که «مبارزه با شیطان بزرگ» این دولتمداران به کجا انجامید؟

آنها می خواهند چنین وانمود سازند که مبارزات دهقانان فقیر برای کسب حق خویش بر زمین، مبارزات کارگران برای استقرار کنترل کارگران بر تولید، مبارزات ملیت های ستمدیده برای کسب حق تعیین سرنوشت خویش، مبارزات زنان برای رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، مبارزات مردم برای استقرار رژیم دموکراتیک و کسب حقوق ابتدائی آزادی بیان و تشکل، و بطور خلاصه کلیه مبارزاتی که واقعاً دست امپریالیزم و ایادی داخلی آن را از ایران کوتاه خواهد کرد، دولت سرمایه داری را از «سازندگی» منحرف می سازد!

برنامه ریزی اقتصادی برای بازسازی اقتصاد کشور

برخلاف ادعاهای سیاستمداران دولت، امپریالیزم به «توطئه های آمریکا» علیه انقلاب ایران خلاصه نمی شود. امپریالیزم سیاست توطئه گرانه دولت های سرمایه داری اروپایی و آمریکایی و ژاپنی نیست. امپریالیزم نظامی جهانی سرمایه داری است. امپریالیزم صرفاً از طریق توطئه و مهره های دست نشانده ای نظیر شاه سابق سلطه خود را بر کشورهای محروم جهان حفظ نمی کند، بلکه به وسیله استقرار

نظام سرمایه داری در این کشورها به هزار و یک طریق سلطه خود را ریشه دار و مستحکم می سازد. نظام سرمایه داری در ایران و انگیزه سود به عنوان تنها محرک فعالیت های اقتصادی است که امپریالیزم برای جامعه محروم ما به ارمان آورده است. فقر و بدبختی اکثریت عظیم مردم ما، فساد اقلیت قلیل طبقات دارا، از هم پاشیدگی کشاورزی و ناتوانی مملکت در اجرای یک برنامه صحیح صنعتی کردن، همگی ناشی از سلطه امپریالیزم و نفوذ سرمایه داری در ایران است. برای از میان برداشتن آثار تخریب این سلطه باید ریشه این تسلط یعنی نظام سودجویی سرمایه داری را از میان برداریم. باید به جای هرج و مرج اقتصاد بازار، اقتصادی با برنامه که در جهت منافع مردم محروم ما سازمان داده شود، مستقر گردد.

مقابله با تهاجم نظامی

تدارک جهت مقابله با هجوم نظامی امپریالیزم (گرچه در شرایط کنونی غیر محتمل است) از اهمیت ویژه ای برخوردار است. حضور نیروهای نظامی امپریالیزم در عراق؛ افغانستان؛ پاکستان؛ اقیانوس هند و خلیج، تهدید مستقیمی است علیه زحمتکشان ایران و منطقه. عملیات کماندویی امپریالیزم در افغانستان و عراق خطر تهاجم نظامی امپریالیزم را در عمل نشان می دهد. امپریالیزم صرفاً برای "تأدیب صدام" به منطقه خاورمیانه نیامد، بلکه برای سرکوب کلیه زحمتکشان منطقه خاور میانه و باز گذاشتن دست های دولت اسرائیل؛ لشکرکشی کرده است. جهت مقابله با تهاجم احتمالی نظامی امپریالیزم نمی توان به ارتش دول سرمایه داری منطقه اتکا کرد. این دول همه شان با امپریالیزم آمریکا وارد سازش می شوند. برای نمونه در سال های اخیر نقش دولت های «ضد امپریالیستی» سوریه؛ لیبی و ایران را می توان دید.

کارگران و زحمتکشان جهت حفظ دست آوردهای مبارزات خودشان در مقابل تهاجم نظامی امپریالیزم نمی توانند به ارتش و دیگر دستگاه های دولت سرمایه داران تکیه کنند. آنها به سازمان های مستقل خودشان نیاز دارند. جنبش ضدامپریالیستی توده های زحمتکش راه مبارزه با خطر تهاجم نظامی امپریالیزم را در تشکیل ارتش ستمدیدگان و زحمتکشان پیدا خواهد کرد. تنها شورای کارگران و دیگر زحمتکشان هستند که می توانند توده های وسیع مردم را در چنین ارتشی متشکل کنند.

حکومت سرمایه داران «ضدامپریالیست» با وجود همه جنجال هایی که در مورد تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی به راه انداخته بودند، عملاً در راه ایجاد چنین ارتشی مانع ایجاد کرد و نهایتاً امروز خود تسلیم امپریالیزم شد. طبقات دارا چشم دیدن توده های مسلح را خارج از کنترل خودشان ندارند. آنها در کردستان و ترکمن صحرا به دهقانان و زحمتکشان مسلح که به مبارزه با زمین داران بزرگ و دیگر کثافات باقی مانده از سلطه امپریالیزم دست زده بودند، حمله کردند. دستور خلع سلاح عمومی پس از پیروزی قیام بهمن ماه در ایران هنوز فراموش نشده است.

وظیفه تدارک مقابله با خطر هجوم نظامی امپریالیزم برعهده شوراهای کارگران و دیگر زحمتکشان است. آموزش نظامی کارگران در ساعات کار مهم ترین قدمی است که شوراهای کارگری جهت مسلح کردن کارگران می توانند بردارند. شوراهای کارگران و دیگر زحمتکشان و سایر سازمان های مستقل توده ای باید جهت مقابله با هجوم نظامی امپریالیزم آموزش نظامی دیده و در صورت لزوم مسلح شوند.

سلب مالکیت از امپریالیزم و سرمایه داران

با جهت گیری علنی رژیم حاکم بر ایران به سمت امپریالیزم، واضح است که قدرت اصلی اقتصاد در دوره آتی هر چه بیشتر در دست امپریالیزم و سرمایه داران بزرگ باقی خواهد ماند. بهبود وضعیت عمومی زحمتکشان و کارگران جامعه ایران به سلب مالکیت از امپریالیزم و سرمایه داران بستگی دارد. در این مورد درخواست های کارگران از قرار زیرند:

۱- کلیه بانک ها باید ملی اعلام گردند. نیازهای مالی جامعه باید از طریق برنامه ریزی مرکزی توسط بانک ها تأمین گردند. سلب مالکیت از بانک داران بزرگ وابسته به امپریالیزم و متمرکز کردن کلیه نظام اعتباری در یک بانک واحد ملی تحت کنترل منتخبین مردم تنها راه حل بحران اقتصادی است. بانک ملی باید با ایجاد شرایط سهل و مناسب اعتبار در اختیار کشاورزان و کسبه قرار دهد. به کارگران کارخانه هایی که تعطیل شده و یا رو به تعطیلی هستند؛ باید وام های بانکی تعلق گیرد تا تولید و توزیع کارخانه ها را خود بدست گیرند.

۲- همراه با ملی کردن بانک ها باید تمام صنایع عمده، شرکت های بیمه و بخش های عمده تجارت خارجی ملی و تحت نظارت منتخبین مردم اعلام شوند. تا بتوان در جهت رفع نیازهای جامعه اقدامات جدی به عمل آورد. این اقدام به مفهوم مصادره اموال روستائیان و واحدهای تجاری کوچک و پیشه وران نیست.

۳- ارقام صادرات و واردات و اسامی تجار داخلی و خارجی باید به طور علنی در رسانه های گروهی اعلام گردند تا مردم از وضعیت بازرگانی با اطلاع باشند و از حیث و میل ها جلوگیری کنند.

۴- کلیه دارایی سرمایه داران و ثروتمندان بازار که از قبل زحمتکشان و کارگران، سرمایه انباشت کرده اند، سرمایه آنان که به بانک های خارجی پول ارسال کرده اند و شرکت های امپریالیستی، باید بدون پرداخت غرامت مصادره گردند.

۳ اردیبهشت ۱۳۸۵

اعتصاب تنها راه کار است اعتصاب در ایران خودرو

به دنبال اعلام خبر پاداش رکورد تولید به مقدار کمتر از سال پیش، ساعت ۴ چهارشنبه ۱۷ اسفند، خبر مذکور عامل انفجاری از اعتراض در میان کارگران ایران خودرو می شود.

کارگران ایران خودرو که شدیداً از اعلام میزان دستمزدها از طرف وزارت کار ناراضی بودند با شنیدن این خبر کاسه صبرشان لبریز شده و به شدت در مقابل این تصمیم ایستادند. این اعتراضات تا ورود شیفت سوم به سالن ها به شکل کم کاری ادامه پیدا میکند و با ورود این شیفت، کارگران بزرگترین سالن، سالن ساتل، خط تولید را متوقف میکنند. اعتصاب از اینجا آغاز میشود. این اقدام کارگران سالن ساتل به اوج خود رسیده و با خروج کارگران شیفت سوم از سالن و دعوت سالن مونتاژ یک، کارگران این سالن نیز به اعتصاب ملحق می شوند. سپس با دعوت از کارگران اتاق رنگ و پیوستن آنها به این موج، اتحاد سالن ها آغاز گشته و اعتصاب گسترده می شود. و به این ترتیب با توقف خط تولید در اکثر سالن ها و شعار «اعتصاب تنها راه کار است» اعتصاب همه گیر می شود.

در این وضعیت حراست وارد عمل شده و مدیران قول هایی می دهند. اما کارگران بی توجه به آنها و قانع نشدن از قول ها و عده ها، خواهان حضور «منطقی» می شوند. این وضعیت تا ساعت ۹ ادامه پیدا می کند تا سرانجام «دهنادی» معاون «منطقی» وارد سالن ها می شود. دهنادی رو در روی کارگران به آنها قول می دهد که پاداش امسال کمتر از سال قبل نخواهد شد؛ و خواهان آرامش کارگران می شود. با این قول کارگران به تدریج به سر کارهایشان باز می گردند.

بازتکثیر از: کمیته اقدام کارگری

۱۷ اسفند ۱

پیش بسوی برگزاری مراسم مشترک اول ماه مه ۱۳۸۵

بقیه از صفحه ۱

مهمترین ضعف ما عدم هماهنگی و پراکندگی ما بوده است. برای خنثی سازی اقدامات ضد کارگری بایستی از هم اکنون اقدامات کارگری صورت گیرد. نمی توان اعتراضات را به شکل لحظه ای پس از آغاز تهاجمات ضد کارگری سازمان داد. تردیدی نیست که اقدامات کارگری می تواند تهاجمات صاحبان سرمایه را مانند دوره پیش به عقب براند. از این طریق اعتماد به نفس کارگران برای فعالیت های آتی و کسب حقوق به حق خود، تقویت می گردد. در محور این اقدامات برگزاری یک پارچه و اتحاد کارگران در اول ماه مه سال جاری است.

اقدامات کارگری مانند یک سکه، دو رو دارد. یکی؛ حمایت های بین المللی کارگران جهان از کارگران ایران و اعمال فشار بین المللی بر دولت سرمایه داری است. این اقدامات را همقطاران کارگران در سطح بین المللی همانند پیش ادامه خواهند داد. اما روی دیگر آن؛ مرتبط به خود کارگران در ایران است. کارگران پیشرو مبارز برای دفاع از دستاوردهای تا کنونی و تقویت موقعیت شان، می باید خود را متحدانه متشکل کنند. امروز پیش از هر زمان کارگران پیشتاز و جوان باید سکان سیاسی فعالیت های ضد سرمایه داری را خود بدست بگیرند.

اما وقایع سال پیش نشان داده است که افتراق و پراکندگی ناشی از فرقه گرایی و انحصارگرایی در درون بخش هایی از سخنگویان کارگران کماکان به قوت خود باقی است. لازم به ذکر است که فرقه گرایی و حذف گرایی مخالفان سیاسی و انحصارگرایی همه ریشه در ایدئولوژی هیت حاکم و نظام سرمایه داری داشته که در درون جنبش کارگری رخنه کرده است. طبقه کارگر در مجموع به علت موقعیت اجتماعی اش، همواره خواهان وحدت و رعایت حقوق دموکراتیک سایرین است. گرایش های کارگری که امروز به جای تبلیغ اتحاد عمل کارگری بر محور مطالبات کارگری؛ تخم نفاق و افتراق می کارند؛ نا خواسته آب به آسیاب دشمن طبقاتی می ریزند.

در تظاهرات اول ماه مه ۱۳۸۴ شعارها وحدت طلبانه ای مانند:

اتحاد، اتحاد علیه سرمایه دار؛ اتحاد تشکل، تشکل اتحاد؛

اتحاد رمز ماست، تشکل عزم ماست؛ کارگر، کارگر، وحدت، وحدت؛

اتحاد، تشکل، قدرت اصلی ما؛ همسنگران، چاره ما وحدت است.

کارگران چاره ما وحدت است در میان سایر شعارها در خیابان های و سالن های سراسر ایران طنین افکند.

کارگران ایران در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۴ نشان دادند که خواهان وحدت عمل علیه سرمایه داری هستند. آنها با شعارهای خود با صراحت اعلام کردند که بهیچوجه خواهان افتراق و چند دستگی و پراکندگی نمی باشند!

از اینرو ما از تمامی نهادهای کارگری ضد سرمایه داری درخواست می کنیم که در پاسخ گویی به مطالبات وحدت طلبانه کارگران سال پیش؛ یک اتحاد عمل کارگری را برای اول ماه مه سال جاری با هم تدارک ببینیم. اتحاد عمل کارگری متکی بر مطالبات مشخص و عملی ضد سرمایه داری. اتحادی از تمامی گرایش های کارگری برای مقابله با دولت سرمایه داری. این اتحاد می تواند زمینه مساعدی برای ایجاد یک تشکل مستقل کارگری را بوجود آورد.

معیار اتحاد کارگران نه باید متکی بر عقاید و نظریات کارگران باشد و نه تعلقات سیاسی و تشکیلاتی آنها. ملاک اتحاد باید اشتراک عمل بر محور مطالبات مشترک کارگری باشد. توافق بر محور عمل مشخص همراه با تحمل و احترام متقابل به نظرگاه ها و تعلقات تشکیلاتی سایرین تنها روش دموکراتیک و درستی است که می توان اتحاد عمل کارگری را شکل داد. مطالبات محوری کنونی می تواند «آزادی زندانیان سیاسی» و «حق اعتصاب» و «حق تشکل مستقل کارگری» و غیره باشد.

این اتحاد با رعایت اصل دموکراسی کارگری و حق گرایش برای تمام نظریات موجود شکل می گیرد. به سخن دیگر هیچ فرد و گرایشی به

علت داشتن اعتقاد؛ نظر و برنامه و تشکیلات حذف نمی گردد (مگر کسانی که مرتبط به دولت سرمایه داری هستند). تصمیمات پیشبرد فعالیت های نظری و عملی به شکل جمعی و شورایی و در صورت لزوم انتخاب یک شورای هماهنگی صورت می پذیرد.

دوستان «اتحاد کمیته های کارگری» در حمایت مشترک از کارگران سندیکالیست شرکت واحد اتوبوسرانی اخیراً چنین نوشتند:

"در این شرایط مبارزه طبقاتی نیاز به اتحاد عمل ما دارد و باید پیذیریم که هیچ کدام از ما به تنهایی در رابطه با ادامه بازداشتها قادر به ایجاد حرکت اجتماعی نیستیم، پس از رفقای متشکل در کمیته های هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، انجمن فرهنگی کارگری، دانشجویان هوادار جنبش کارگری و ما، انتظار می رود تا اقدام مشترکی را برای آزادی رانندگان شرکت واحد انجام دهیم." (۸۴ / ۱۱ / ۲۴)

پیشنهاد این دوستان مورد توافق ما نیز هست. این توصیه می تواند برای ایجاد یک اتحاد عمل سراسری بلند مدت برای حمایت از تمام کارگران صورت پذیرد.

اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۵، می تواند آغازگر تشکیل این اتحاد عمل کارگری بلند مدت باشد.

- روز کارگر، اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۵) را **مشترکاً جشن بگیریم!**
- برای آزادی منصور اسانلو و سایر کارگران متحداً **بپاییزیم!**
- از حق اعتصاب برای تمام کارگران حمایت کنیم!
- اتحاد عمل سراسری بلند مدت را ایجاد کنیم!
- فرقه گرایی و انحصارگرایی را طرد و افشا کنیم!

کمیته اقدام کارگری
۱۰ فروردین ۱۳۸۵

جنبش کارگری ایران

بقیه از صفحه ۱۲

بنابراین، کمیسیون ها یا کمیته های کارگری را جدا از پایه توده ای آنان- آن هم فقط در دوران برخاست مبارزه- نمی توان بررسی کرد. کمیسیون های کارگری برخلاف سندیکاها به معنای سنتی کلمه سازمان نیستند (با اساسنامه، اعضا، حق عضویت، شرایط عضویت و غیره). بلکه بخش متشکل جنبشی هستند که تمام کارگران بدون هیچ قید و شرطی (تنها به شرط شرکت فعال در مبارزه) می توانند در انتخاب آن شرکت کنند و با این کار عضو آن محسوب می شوند. بدین ترتیب کمیسیون ها سدهائی را که سندیکاهای کارگری ما بین کارگران متشکل و غیرمتشکل بر پا می کنند فرو می ریزند. این کمیته ها و کمیسیون ها تا کنون به اشکال مختلف در هر جا که جنبش کارگری وجود داشته پیدا شده اند. ظهور آن ها در روسیه، شیلی، اسپانیا و پرتغال، به ویژه برجسته بوده است. در این میان کمیسیون های کارگری در اسپانیا از نظر وسعت و حفظ تداوم مبارزه تحت رژیم فاشیستی فرانکو، از همه برجسته ترند و مظهر جنبش نوین کارگری در اسپانیا به شمار می روند.

مقاله زیر این تجربه غنی را انعکاس می دهد.

http://www.javaan.net/kargari_nashr/asarc.moaser/mot/i.n.p/i.n.p.htm

پیش گفتار مازیار رازی
فروردین ۱۳۸۵

زنان کارگر و رویدادهای اخیر

مبارزات سندیکالیستی رانندگان شرکت واحد برای مطالباتی پیش پا افتاده همچون پرداخت کامل درآمدها منتهی به حمله شبانه مأموران رژیم به خانه این رانندگان و ضرب و شتم و دستگیری و بازجویی زنان و فرزندان این رانندگان گردید.

نیمه های شب، آنگاه که همه محل در خواب بودند، عده از "منکرات" به خانه یکی از رانندگان حمله برده و بدون داشتن حکمی از دادگاه، وارد خانه شده و بالای سر چند تن زن و عده کودک رفته و با خشونت روی آنها را پس زده و به تعیین هویت پرداختند. وقتی پدر خانه را نیافتند، زن او و زنان رانندگان دستگیر شده دیگر را به همراه کودکان خردسالشان با ضرب و شتم و توهین به بیرون از خانه کشانده و با ماشین راهی "منکرات" کردند. در ابتدا حدود ۲۰ نفر بودند، ولی در آخر تعدادشان به بیش از صد نفر رسید. در پی سروصدا و شیون از روی ترس کودکان، اهالی محل بیدار شده و به بیرون ریختند تا شاهد آن همه خشونت و قصی القلبی این افراد باشند که حتی به کودک چند ساله هم رحم نمی کردند.

در "منکرات" این زنان و کودکان را تا صبح در اطاقی سرد، بدون آب و غذا و زیرانداز و حتی بدون حق استفاده از دستشویی گذاشتند. به طوری که کودکان قادر به نگهداشتن خود نبودند.

آن چه در بالا آمد، داستانی است که کمابیش همه شنیده اند. تا کنون عده ای از رهبران سندیکای رانندگان شرکت واحد دستگیر شده و عده ای مجبور به زیرزمین رفتن گشته اند. رژیم برای دستگیری آنان که پنهان شده بودند، زن و فرزندان خردسال این رانندگان را با ضرب و شتم تمام و آسیب رسانی به آنها دستگیر کرده و برای بازجویی می برند. این در حالی است که مأموران رژیم حتی برای این کار خود، حکم دادگاه هم نداشتند و بالاخره این در حالی است که این زنان و کودکانشان را در طول حبس غیرقانونی بدون کوچکترین امکانات (خوراک، زیرانداز گرم، دستشویی) گذاشتند.

همه اینها برای پاره ای مطالبات پیش پا افتاده دموکراتیک و سندیکالیستی بوده است! مطالباتی نظیر دریافت کامل حقوق. در حالی که این کارگران موكداً خواهان برخی حقوق خود شده و مکرراً بیان کرده بودند که این مبارزات سیاسی نیست، باز هم رژیم به آنها حمله و عده ای را دستگیر کرد، تا حدی که بقیه مجبور به پنهان کردن خود شدند! در حقیقت، این رژیم است که با برخورد غیردموکراتیک خود، موضوع را سیاسی کرده نه کارگران شرکت واحد.

بزرگترین تجربه عملی و مفیدی که تا کنون از رویدادهای اخیر می توان کسب کرد، این است که در کشور ما مبارزات دموکراتیک از هیچ نوعی (حتی سندیکالیستی آن) معنی ندارد. در کشوری که دیکتاتوری و اختناق حاکم است، کوچکترین مبارزه دموکراتیکی منجر به لرزاندن پایه های رژیم گشته و لذا رژیم آن را تحمل نمی کند و کوچکترین مطالبه دموکراتیک منجر به حمله رژیم شده و خواه ناخواه به مبارزه ای سیاسی تبدیل می گردد. پس در کشور ما در حقیقت فرقی میان مبارزات سندیکالیستی و سیاسی وجود ندارد و ما نمی توانیم به شکل کلاسیک این مبارزات در اروپا نگاه کنیم و از شرایط و زمان خاص هر کشور به طور کلی صرف نظر نماییم.

طرح طبقه بندی مشاغل در شرکت ایران خودرو به اجرا در آمد

یک پیروزی برای کارگران ایران خودرو

در آستانه سال نو طرح طبقه بندی مشاغل که یکی از خواسته های کارگران این شرکت بود رسماً به اجرا در آمد و با اجرای این طرح حدود ۱۰٪ حقوق کارگران آن افزایش یافت ما این پیروزی را به کارگران شرکت ایران خودرو تبریک می گوئیم

بهاران خجسته باد پیش باز هم به پیش!

دوستان و همکاران گرامی

اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را که بیشک در پی مبارزات ما کارگران محقق شد به همه همکاران خود تبریک گفته و آن را یک گام به پیش در راه مبارزه برای زندگی بهتر می دانیم این موفقیت یک بار دیگر ثابت کرد تا مبارزه است پیروزی نیز است.

ما در آستانه سال نو این پیروزی را مدیون تمام کارگران و فعالین کارگری و اتحاد همبستگی بین المللی هستیم که با حمایت از مبارزات ما کارگران لحظه ای ما را تنها نگذاشتند.

ما این پیروزی را تقدیم تمام کارگران ایران از کارگران شاهر گرفته تا کارگران نساجی کاشان و کارگران کشتی سازی صدرا و ماهشهر و تمام کارگرانی که هر روز در گوشه و کنار این کشور ماهها حقوق نگرفته اند ولی لحظه ای دست از مبارزه برای یک زندگی بهتر نکشیدند.

ما این پیروزی را به کارگران شریف شرکت واحد خانواده های آنان که با مبارزه خود شمع شدند برای روشن کردن راه روشن مبارزه کارگران تقدیم می کنیم.

ما این پیروزی را به آقای اسانلو و خانواده محترم ایشان و به افشین بهرامی همکار عزیزمان که به جرم پشتیبانی از کارگران شرکت واحد دستگیر شده است تقدیم می کنیم و از همه دوستان می خواهیم که در سال نو و در روز عید کارگران شرکت واحد را فراموش نکنند و به هر طریقی که می توانند به کمک آنان بشتابند

سال نو بر همه کارگران مبارک باد

زنده باد مبارزه کارگران برای یک زندگی بهتر

زنده باد اتحاد همبستگی کارگران

جمعی از کارگران شرکت ایران خودرو
بیست و هفتم ماه اسفند هشتاد و چهار

باز تکثیر از: کمیته اقدام کارگری

۲۸ اسفند ۱۳۸۴

جامعه تأثیری خاص می‌گذارد و همبستگی عمومی بسیار سریع جلب می‌گردد.

لذا در این مرحله سازماندهی این زنان در کارهایی نظیر جمع آوری کمک‌های مالی، رفتن به جلوی زندان اوین، هماهنگی کاری بین خودشان و بسیج سایر خانواده‌های کارگر از اهمیت خاصی برخوردار است، چه زمانی که شوهرانشان هنوز در زندان هستند و چه زمانی که بیرون باشد.

در جمع بندی این رویدادها ما به یک نکته سیاسی بسیار قابل ملاحظه می‌رسیم و آن اینکه این مبارزه در حد خودشم مبارزه‌ای بسیار مهم بوده است. در واقع یکی از مهم‌ترین و موثرترین مبارزات کارگری از دوران انقلاب تا کنون. زیرا که این حرکت یک حرکت آگاهانه از جانب سندیکالیست‌های شرکت واحد، در دفاع از حقوق صنفی‌اشان بوده است.

در واقع مبارزه‌ای بوده است آگاهانه برای تحمیل حقوق دموکراتیک خود به رژیم که در نتیجه پیروزی، باعث تحمیل جوی از حقوق دموکراتیک کل جامعه بر رژیم می‌گردد.

اگر به یاد بیاوریم، در گذشته اپوزیسیون میانه رو و اصلاح طلبان خواستند این جو را با دفاع از گنجی که در زندان بود، بوجود آورند، چون فکر می‌کردند که دفاع از او می‌تواند، راهی در باز کردن جوی دموکراتیک‌تر در جامعه گردد که این طور نشد. البته برای این که سوء تفاهم نشود، ما در این جا یادآور می‌شویم که ما همیشه از کلیه مبارزات دموکراتیک فردی یا گروهی در مقابل رژیم دفاع می‌کنیم و در آن زمان هم از گنجی حمایت کردیم. منتهی این ربطی به نتیجه کار ندارد. ما در عمل دیدیم که آن مبارزات به نتیجه نرسید و دلیل آن هم نداشتن سازماندهی بود.

آنچه که مبارزات سندیکای رانندگان شرکت واحد را از سایر مبارزات متمایز می‌کند، داشتن رهبری و سازماندهی است که خود گویای مبارزه‌ای آگاهانه می‌باشد. از این رو وقتی رهبر اصلی آنها سائلو-دستگیر شد، حرکت نه تنها نخواستید که با شور بیشتری ادامه یافته و رهبران دیگری یافت و وقتی عده‌ای از این رهبران دستگیر شدند، باز هم حرکت ادامه یافته و کل سندیکا به پا خواست.

از این رو است که پیروزی این کارگران، پیروزی کل جامعه است و شکست آنها، شکست جامعه که به همراه خود، موجی از سرکوب و اختناق هر چه بیشتر را می‌آورد. لذا در حال حاضر، تمام اقشار جامعه ایران، در این پیروزی ذینفع هستند. به این دلیل مبارزه سندیکای کارگران شرکت واحد از اهمیت خاصی در کل جامعه برخوردار است و باید مورد پشتیبانی هر چه تمامتر همه ما در ایران و خارج از کشور باشد.

اگر در این مقطع هنوز هستند کسانی که فکر می‌کنند نباید از این مبارزات حمایت کرد، شرایط را درست درک نکرده‌اند. چون در حال حاضر مسئله توازن قوا بین رژیم و توده مردم مطرح است و مرحله بعد به این امر بستگی پیدا می‌کند که کدام کفه سنگین‌تر باشد.

در حال حاضر، کفه توده مردم و کارگران نسبت به چند سال پیش سنگین‌تر شده است. اگر به خاطر بیاوریم حدود چهار سال پیش که کارگران جامکو و شادانپور در جلوی مجلس اعتصاب کردند، مورد حمله مسلحانه رژیم قرار گرفته و به گلوله بسته شدند. این بار اما با وجود این که مناطقی که کارگران شرکت واحد اعتصاب گذاشته بودند، به وسیله مأمورین رژیم بسته شده بود، ولی وقتی کارگران جمع شدند، زد و خورد شد، اما تیراندازی نشد. یا اگر این اعتصاب ۴ سال پیش یا قبل آن رخ می‌داد، هر کسی که دستگیر می‌شد، به اعدام محکوم می‌گشت. اما امروز رژیم این اندازه عقب‌نشینی کرده است.

نکته قابل ملاحظه دیگر اینکه ما باز هم در عمل شاهد قرار گرفتن زنان و مردان کارگر در کنار هم برای مبارزه و مقابله با رژیم بودیم. به عبارت دیگر هرگاه رو در رویی با نظام و رژیم ستمگرش پیش می‌آید، زنان کارگر در صف مردان کارگر قرار می‌گیرند و مبارزات شکل طبقاتی می‌یابد. این صف بندی در مقابل رژیم، حرکتی است طبیعی که از جایگاه طبقاتی می‌جوشد. یعنی در مقابل زنان و مردان زحمتکش و کارگر ما مهمترین و بزرگترین دشمن، رژیم است که نماینده طبقه حاکم و ستمگر می‌باشد. هیچ ستم دیگری ماقبل این ستم (ستم طبقه حاکم) قرار نمی‌گیرد و قبل از این که زنان و مردان طبقه کارگر برای حل مسائل بین خود و تبعیض جنسی بخواهند صف آرای می‌کنند، در مقابل این دشمن مشترک با هم متحد می‌گردند.

دقیقاً همین روند هم در مورد مبارزات اجتماعی زنان بر علیه ستم جنسی صدق می‌کند و به این دلیل است که مردان طبقه کارگر را همچون زنان طبقه کارگر، بهترین متحدان زنان در مبارزات رهایی بخششان می‌سازد.

همسران رانندگان دستگیر شده یا فراری در چند مورد ماهیت مترقی و آگاه خود را در عمل به اثبات رساندند: آنان در هنگام حمله مأمورین رژیم به خانه اشان و سپس در پی دستگیری و مورد بازجویی قرار گرفتنشان در "منکرات" و اوین با کمال شهامت و جسارت، بسیار خوب عمل نمودند. همسران این رانندگان که خود سندیکالیست نبوده و با وجود این که برخی از آنها اصلاً شاغل نبوده و درآمدی ندارند، با این وجود در طول بازجویی‌ها با رشادت تمام مقاومت کرده و در بیانات خود نه تنها از حرکت شوهرانشان به عنوان حرکتی مفید برای کل کارگران سندیکا دفاع کردند، بلکه از بقیه هم خواسته‌اند که به آنها بپیوندند.

به عبارت دیگر این زنان در عین حال که بر اثر این رویدادها در نهایت تنگدستی قرار داشتند، تصمیم گرفتند که با آگاهی و با برخوردی بسیار مترقی هم از پس بازجویی برآیند و هم اهداف سندیکای رانندگان را با پشتیبانی از شوهران خود، تبلیغ و ترویج کنند، اما به هیچ وجه اشاره‌ای به وضعیت زندگی شخصی خود و مشکلاتشان بر اثر نبودن شوهر ننمایند.

در نتیجه بر اثر برخوردهایی که بین این زنان با رژیم پیش آمد، همبستگی بین این رانندگان و خانواده‌های آنها باز هم محکم‌تر شد. این پدیده‌ای است که ما در تاریخ بارها تجربه کرده‌ایم. از جمله در زمان ماگارت تاچر نخست وزیر پیشین انگلستان، ما شاهد بودیم که وقتی معدنچیان آن کشور دست به اعتصاب زدند و سپس مورد حمله رژیم تاچر قرار گرفتند، همسران معدنچیان به خیابان‌ها ریخته و در مبارزه به شوهرانشان پیوستند.

در وضعیت کنونی ایران هم این همبستگی همسران سندیکالیست‌های شرکت واحد با آنها و فراخوان دادنشانشان به سایر کارگران، باعث ایجاد همبستگی خاصی بین خانواده‌های کارگری با این زنان خواهد شد و این، به نوبه خودش جو همبستگی همه جانبه‌ای را در سطح جامعه ایجاد می‌کند. به این دلیل حضور فعال این زنان در این مرحله می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد.

نقش این زنان در صورت ادامه مبارزات هم می‌تواند در جهت گیری آن به رانندگان کمک بسیار کرده و حتی تعیین‌کننده باشد. به عبارت دیگر چنانچه مبارزات بوسیله خود سندیکالیست‌ها چه از داخل زندان و چه از بیرون ادامه یابد، فعالیت همسران آنها به همین نحو که تا کنون پیش رفته، می‌تواند به ایجاد همبستگی بین سایر اقشار کارگری با این سندیکالیستی‌ها و از آن هم فرا تر در ایجاد همبستگی در سطح جامعه، بسیار موثر باشد. دلیل آن نیز این است که کلاً وقتی زنان به این گونه مبارزه و مقاومت دست می‌زنند، در روحیه کل

پس توازون قوا امروزه به نفع کارگران و کل جامعه است. در نتیجه این فرصتی است که نباید از دست برود و مهمترین راه دفاع از این دستاورد، امروز یکی ادامه مبارزه آگاهانه به وسیله سندیکالیست ها است و دیگری دفاع اقشار مختلف مردم در جامعه در ابعادی هر چه وسیع تر از سندیکالیست های شرکت واحد می باشد.

۱۲ فوریه ۲۰۰۶

سارا قاضی

جنبش کارگری ایران

و در سهایی کمیسیون های کارگری اسپانیا

تهاجم صاحبان سرمایه علیه کارگران اتوبوسرانی تهران و خانواده های آنان به ویژه در ۸ بهمن ۱۳۸۴، بی شک انزجار و عصبانیت تمام کارگران ایران را نسبت به چنین برخوردهای مفرضانه و غیر انسانی برانگیخته است. تداوم دستگیری منصور اسانلو و اکثر رهبران سندیکای شرکت واحد و ارباب ممتد خانواده های آنان و پلاکتی و اخراج بسیاری از دستگیرشدگان، این سؤال را در اذهان کارگران طرح می کند که در وضعیت کنونی چه درسهای برای تداوم مبارزه کسب کرد؟ در شرایطی که دولت سرمایه داری شمشیر را از رو بسته و مصمم به شکستن اعتصاب کارگران شده است؛ در وضعیتی که در سایر کارخانه ها وزارت اطلاعات فشارها بر کارگران فعال را افزایش داده و برای آنها خط و نشان می کشد؛ در شرایطی که از دست دادن کار و دستگیری منجر به گرسنه ماندن خانواده های کارگران می گردد؛ در زمانی که کوچکترین اعتراض فعال سرنوشتی مشابه سرنوشت کارگران شرکت واحد دارد، چه باید کرد؟ بدیهی است که سکوت و بی عملی راه حل نیست. تداوم مبارزه متحد تمام کارگران و سازماندهی در مقابل تهاجم به کارگران شرکت واحد تنها راه مقابله با آنست. زیرا این تهاجم تنها متوجه کارگران شرکت واحد نیست که دادن درس عبرتی است به تمام کارگران توسط صاحبان سرمایه. سکوت و بی عملی، همه کارگران را به سلاح خانه صاحبان زر و زور خواهد فرستاد. کارگران اکثر مردم ایران را تشکیل داده و دارای قدرت بسیار مهمی هستیم. سرمایه داران با به اسارت کشیدن و استعمار کارگران سودهای کلان را به جیب می زنند. منبع سودآوری سرمایه داران در دست کارگران است.

اما قدرت کارگران تنها به شکل واحد و برنامه ریزی شده و سازمان یافته شده متکی بر تجارب مبارزات بین المللی کارگری به نمایش گذاشته می شود. عدم سازماندهی و افتراق بین کارگران منجر به تضعیف و شکست می گردد. تجربه شرکت واحد نشان داد که برای مقابله با زورگویان، کارگران نمی تواند همگی علنی عمل کنند. سرکوب اخیر اعتصاب کارگران شرکت واحد، شکست این ادعا که: «جنبش کارگری علنی است پس تشکل کارگری هم باید علنی باشد» را نشان داد. از شکست این ادعا باید درس کسب شود. حداقل رهبران عملی ما باید آزاد بمانند تا تداوم مبارزه را تضمین کنند. گام نخست، برای مقابله و مقاومت علیه سرمایه داران و حمایت فعال از کارگران شرکت واحد؛ در هر کارخانه و محلی، ایجاد کمیته های اقدام کارگری مخفی است. کمیته های متشکل از افراد قابل اعتماد. هدف این کمیته ها سازماندهی اقدامات کارگری برای حمایت از کارگران شرکت واحد است. ایجاد این کمیته ها در تقابل کار علنی سندیکالیستی نیست که آن را تقویت می کند. هر کمیته کارگری در هر کارخانه بر اساس ارزیابی وضعیت کارگران و رعایت اکید مسایل امنیتی به طرحی برای مقابله می تواند دست زند (برای نمونه: سازماندهی توقف کار برای مدت معین؛ جمع آوری تومار اعتراضی؛ پخش مخفی شب نامه ها در مورد کارگران شرکت واحد؛ جمع آوری کمک مالی برای خانواده های کارگران شرکت واحد؛ مقابله با دخالت های وزارت اطلاعات در

کارخانه ها و حراست کارخانه و غیره). با برداشتن این گام نخست، گام های دیگر و هماهنگی فرا تر می تواند صورت پذیرد. در گام های بعدی ارتباط گیری و هماهنگی کمیته ها، در راستای ایجاد یک اتحاد عمل سراسری کارگری می تواند در دستور کار قرار گیرد.

تجربه بیش از نیم قرن پیش در اسپانیا تاییدی است بر این روش از مبارزات کارگری. درس گیری از این تجربه راه برای توفیق در مبارزاتی آتی هموار می کند.

"در فوریه سال ۱۹۵۱ یک حرکت وسیع توده ای در اسپانیا در اعتراض به بالا رفتن نرخ اتوبوس با امتناع مردم از استفاده از سرویس های اتوبوس آغاز شد. این حرکت، بعد از برخورد با پلیس و مبارزه قهری شدید- آتش زدن مغازه ها و غیره- به یک جنبش وسیعی تبدیل شد که طبیعتاً عده ای از کارگران را هم دربر گرفت. در این شرایط آن نمایندگان کارگران، که با انتخاب شدن به سمت نمایندگی، در میان توده کارگران شناخته شده بودند- به کمک ارتباطات مخفی و حزبی و غیره- با استفاده از اوضاع مساعد دست به سازمان دادن اعتصابی زدند که تبدیل به یک اعتصاب عمومی وسیع در سطح بارسلون گشت (اولین اعتصاب عمومی در بارسلون، اولین اعتصاب عمومی آگاهانه، و دومین اعتصاب عمومی بعد از شکست انقلاب اسپانیا). از این مهم تر این اعتصاب به علت ماهیت آگاهانه اش، و تبلیغات وسیعی که در اطرافش شد، و با استفاده از محیط مناسب، منجر به تظاهرات وسیعی در مرکز شهر و اعتصابات وسیعی در باسک، پامپلون، و مادرید گشت. عکس العمل وحشیانه رژیم فرانکو اگر چه توانست اعتراضات و تظاهرات توده ای را خفه کند ولی تأثیر آن بر اعتصابات و مبارزات کارگری کاملاً معکوس بود. گروه ها و نیروهای مخفی که با آغاز موج وسیع و طولانی اعتصابات وارد مبارزه عملی در پیوند با کارگران شده بودند، دست در دست نمایندگان شناخته شده طبقه کارگر، نه تنها توانستند تداوم مبارزات را حفظ کنند، بلکه باعث شدند مبارزات در سال های بعدی تعدد و وسعت بیشتری به خود بگیرد.

همانند اسپانیا در سال ۱۹۵۱؛ تاریخ جنبش کارگری همواره نشان داده است که در شرایط اختناق و دیکتاتوری سرمایه داری، کمیته های کارخانه و کمیسیون های کارگری برای مقابله با آن شکل می گیرند. این کمیته ها اشکالی از نهادهای کارگری هستند که از بسیاری جهات مناسب برای وضعیت موجودند. لازم به ذکر است که بررسی عملکرد این سازمان ها به هیچ وجه به منظور نمونه برداری و تعمیم آن ها به هر وضعیتی نمی باشد. اشکال سازمان دهی هر مبارزه مشخص را خود مبارزه است که تعیین می کند نه الگوهای از پیش ساخته شده. توجه به تجربیات تاریخ جنبش کارگری به منظور گسترش مفاهیم به منظور درک بهتر و سریع تر انکشاف مبارزات آتی صورت می گیرد.

کمیسیون های کارگری چه هستند؟ هنگام برخاست هر مبارزه مشخص، مثلاً یک اعتصاب مشخص (همانند اعتصاب اخیر اتوبوسرانان شرکت واحد و یا ایران خودرو)، کارگران درگیر در مبارزه کمیسیون یا کمیته ای انتخاب می کنند (شرط عضویت در کمیته تعلق به کارخانه یا سازمان خاصی نیست بلکه بر اساس شرکت فعال در پیشبرد مبارزه مورد نظر است) تا مبارزه را سازمان دهد. بدین معنی که مذاکره با کارفرمایان و مطرح کردن خواست های مبارزه را سازمان دهد. پیشبرد مبارزه را تدارک ببیند. با نمایندگان سایر کارگران وارد مذاکره شود تا در صورت لزوم همکاری و پشتیبانی فعال آن ها را جلب کند. چنانچه اعتصاب یک مبارزه منفرد و زودگذر باشد، بدیهی است که کمیته مزبور هم به همان نسبت زودگذر خواهد بود. ولی در شرایط برخاست عمومی جنبش هر یک از این کمیته ها می توانند به سرعت نمایندگان کارخانه ها، اصناف را به خود جلب کنند و تبدیل به تشکیلات نیرومندی گردد که نماینده اکثریت عظیمی از کارگران و مبارزین است. در صورت تداوم مبارزات سراسری، کلیه کمیته ها و کمیسیون های تشکیل شده در یک منطقه می توانند متحد شده و فدراسیونی سراسری ایجاد کنند که به تشکیلاتی نیرومند مبدل گردد.